

نسخه چاپی/خبرآنلاین

تاریخ: شنبه 2 فروردین 1393 - 18:29:40 کد مطلب:345879

سرویس خبری: بین الملل < خاورمیانه

سید حسین موسویان: احتمال دارد برخی کشورهای عربی تجزیه شوند/ روی اختلافات عربها حساب باز نکنیم

سید حسین موسویان، عضو تیم سابق مذاکره کننده هسته ای در گفتگو با خبرگزاری خبرآنلاین از پیامدهای تنش در میان همسایگان عربی و هزینه- فرصتهای آن برای ایران می گوید.

زهره خدایی: گراهام فولر، نویسنده آمریکایی 20 سال پیش در یکی از آثارش گفته بود: "مسئله امنیت خلیج فارس از دیرباز بسیار پیچیده بوده و در واقع کسی نمی داند که چه کسی امنیت چه چیزی را در مقابل چه کسی حفظ می کند و زمانی که پای رقیب دیرینه- یعنی ایران- در میان باشد، این معادله پیچیده و پیچیده تر می شود". این چالش با گذشته دهه ها همچنان پابرجاست. شیخ نشین ها امروز بار دیگر بر سر تضاد سیاستهایشان، شمشیر را برای یکدیگر از رو بسته و چند دسته شده اند؛ تنش که پایه های موجودیت مهمترین الگوی همبستگی آنها یعنی شورای همکاری خلیج فارس را متزلزل کرده و دسته ای حتی آهنگ اخراج برخی اعضاء را سر می دهند. اما در کنار همه پیامدهای این تنش در ابعاد داخلی و منطقه ای، پرسش مهم اینجاست که هزینه- فرصت این اختلافات برای ایران چه خواهد بود؟ آیا این می تواند فرصتی برای ایران در راستای فعال کردن دیپلماسی عربی باشد؟ سیدحسین موسویان، از اعضای تیم سابق مذاکره کننده هسته ای ایران به این پرسشها پاسخ داده است که در ادامه می خوانید:

آیا اختلاف میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس آغاز همان تغییری است که پیشتر ناظران وقوع آن را در میان ساختارهای سنتی حاکمیتی در کشورهای حاشیه خلیج فارس پیش بینی کرده بودند؟ در آن صورت آیا این کشورها آمادگی تغییر را دارند؟

تغییر در ساختار حاکمیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس اجتناب ناپذیر است. اما این بدان معنا نیست که به خاطر اختلافاتی که اخیراً آشکار شده، این کشورها در آستانه تغییر حاکمیتی سریع قرار دارند. بیشتر از اینکه این اختلافات جاری موثر باشد، موج بیداری اسلامی از یکطرف و تهدیدات امنیتی جدیدی در خاورمیانه ساختار حاکمیتی فعلی کشورهای حاشیه خلیج فارس را آسیب پذیر نموده و برای قدرتهای جهانی هم آشکار شده که این تغییر ساختار دیر یا زود صورت خواهد گرفت و آنها بیشتر از این نمی توانند بر حفظ ساختار موجود اصرار کنند. اما کسانی که از عمق مسائل فیما بین کشورهای حاشیه خلیج فارس مطلع هستند، می دانند که این اختلافات جدید نیست و در 30 سال گذشته وجود داشته و ریشه ای است. اما آنها تلاش کرده بودند که به خاطر مسئله ایران تا حد ممکن اختلافات داخلی شان علنی نشود. در عین حال تغییرات در ساختار حاکمیتی این کشورها بسیار پیچیده و دشوار است و معلوم نیست که سریع انجام شود.

هزینه-فرصت های این تنش برای ایران چیست؟ آیا آنگونه که گفته می شود این می تواند فرصت مناسبی برای ایران

باشند؟

ایران نباید خیلی روی اختلافات اخیر حساب باز کند و هیجان زده شود. مشکلات اساسی و ساختاری در روابط ایران با اعراب و روابط ایران با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس وجود دارد. این اختلافات بیشتر مقطعی است و نهایتاً روی آن سرپوشی خواهند گذاشت. در عین حال روند جاری تحولات در خاورمیانه برای ایران و برای کشورهای حاشیه خلیج فارس هم یک تهدید جدی است و هم یک فرصت. موج هرج و مرج سیاسی و بی ثباتی ممکن است خاورمیانه را فرا گیرد. اوضاع فعلی در سوریه، عراق، افغانستان و فلسطین بسیار شکننده و خطرناک است. احتمال تجزیه برخی از کشورهای عربی وجود دارد. خطرناک ترین نوع تروریسم در خاورمیانه دامن گسترده است. جنگ فرقه ای و شیعه-سنی خطری واقعی و جدی است. منهای اینکه آیا ساختار حاکمیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس تغییر بکند یا نکند، اینها تهدیدات جدی برای ایران و همه کشورهای منطقه است. در عین حال اجماع و همگرایی منطقه ای در جنگ علیه تروریسم و افراط گرایی و تلاش برای وحدت شیعه- سنی و ایجاد یک همکاری جامع منطقه ای ضرورت‌های حیاتی هستند که فرصت نیز تلقی می شوند.

گفته می شود بخشی از این تعارضات مربوط به رویکرد مستقل هر یک از این کشورها در قبال اخوان المسلمین است. چرا برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس، تا این اندازه از قدرت گرفتن اخوان المسلمین بیمناک هستند؟ مگر اخوانی ها چه می خواهند؟ و یا اصولاً بر چه آموزه هایی تاکید دارند؟

اخوان المسلمین نهایتاً دنبال حکومت اسلامی است که این هدف مطلوب بسیاری از سران کشور های عربی نیست. در عین حال اصل مسئله اخوان المسلمین نیست بلکه روند بیداری اسلامی است. اخوان المسلمین قدیمی ترین و سازمان یافته ترین تشکل مذهبی سنی جهان عرب است که در تمام کشورهای عربی ریشه دوانده و مقابله چکشی با آن نیز نتیجه معکوس خواهد داشت. دو نظریه در جهان عرب و در جهان غرب وجود دارد:

نظریه اول بر مبنای تعامل و همکاری با اخوان المسلمین است که برخی از کشورهای غربی و عربی به آن معتقدند. نظریه دوم بر مبنای برخورد قاطع و چکشی است که معتقد بر قلع و قمع اخوان المسلمین است. نظریه اول معتقد است برخورد با اخوان المسلمین آنها را به سازمان یافته ترین تشکل زیر زمینی جهان عرب تبدیل خواهد کرد که قدرتی به مراتب گسترده تر از حماس، جهاد اسلامی و حتی حزب الله لبنان خواهند داشت. چون میلیونها هوادار دارد که صدها هزار تن از آنها نیز آماده مبارزه مسلحانه هستند. در واقع از اولین ماههای انقلاب مصر این دو نظریه در مقابل هم قرار گرفتند. آمریکا و برخی کشورهای کشورهای معتقد به تعامل با اخوان المسلمین بودند و عربستان معتقد به تقابل.

در هر صورت سه جبهه سیاسی-ایدئولوژیک و اجتماعی در جهان عرب وارد تقابل شده اند: مسلمانان معتدل، مسلمانان تندرو و افراطی و بالآخره مسلمانان سکولار. این تقابل چالشی بزرگ برای جهان عرب و حتی جهان اسلام و جامعه بین الملل خواهد بود که تفوق هر کدام بر جهان عرب، موجب تغییرات مهمی در ساختار قدرت در کشورهای عربی خواهد داشت.

برخی فرضیه فروپاشی شورای همکاری را مطرح کرده اند، آیا این مسئله شدنی است؟

به نظرم شورای همکاری خلیج فارس 20 پیش سال عملاً از هم پاشید زمانی که عراق به کویت حمله کرد. کویت یک عنصر از شورای همکاری خلیج فارس بود. شش کشور عضو این شورا برای مقابله با تجاوز عراق نتوانستند هیچ کاری بکنند و به آمریکا متوسل شدند و اگر حمله آمریکا نبود، امروز کویت بخشی از عراق بود.

اصل تشکیل شورای همکاریهای خلیج فارس برای مقابله با ایران بود. فرضیه شش کشور این بود که ایران ممکن است به یکی از این کشورها حمله کند، لذا باید تشکل جمعی برای مقابله با تجاوز خارجی تشکیل دهند. 10 سال بعد از تشکیل، یک قدرت عربی به آنها تجاوز

کرد و این شورا اوج ضعف و ناتوانی خود را آشکار کرد و به آمریکا پناه برد. امروز هم این شورا برای امنیت کشور های عضو، روی پایگاههای نظامی آمریکا در کشورهای حاشیة خلیج فارس حساب میکند نه خود شان. لذا این شورا از سال 1370 که در مقابله با عراق کاملاً فشل ماند، اعتبار و آبروی خود را از دست داده است. به نظر می رسد سران شورای همکاریهای خلیج فارس باید واقع بین باشند. تنها راه حفظ امنیت و ثبات خلیج فارس تشکیل یک سازمان همکاری با حضور کلیه کشورهای حاشیة خلیج فارس یعنی ایران، عراق و 6 کشور عربی حاشیة جنوبی است و لا غیر. شرایط فعلی در منطقه فرصت مناسب برای تشکیل چنین سازمان همکاریهای منطقه ای را فراهم نموده و قدرتهای جهانی هم درک بهتری از واقعیات منطقه پیدا کرده اند. لذا امیدوارم دیپلماسی ایران و کشورهای همسایه بتواند این ضرورت حیاتی را تحقق بخشد.

آینده این روند را چگونه پیش بینی می کنید؟

من نسبت به آینده خاورمیانه خوشبین نیستم. زیرا:

- 1- بلوغ سیاسی لازم وجود ندارد ، 2- وحدت بین کشورهای عربی و اسلامی نیست ، 3- بویی از غیرت اسلامی به مشام نمیرسد ، 4- بسیاری از حکومتها پایگاه مردمی ندارند ، 5- بسیاری غرق در فساد هستند ، 6- خلأ دموکراسی در منطقه آشکار است ، 7- همکاری جمعی وجود ندارد ، 8- نگاهها به بیرون و قدرتهای خارجی است و نه به مردم و منطقه ، 9 تروریسم تکفیری از پایگاه ایدئولوژیک و سیاسی و مالی گسترده برخوردار است ، 10- جنگ بین العربی جای پان عربیسم را گرفته و قس علیهذا.
- لذا دلائل بدبینی من بیشتر از خوش بینی است. مگر اینکه خداوند عنایتی کند و کشورهای اسلامی منطقه را از این وضع اسفناک نجات دهد.

5252

<http://www.khabaronline.ir/detail/345879>

لینک مطلب: